



بهترین لانه‌ی دنیا

● نوشته‌ی افسانه شعبان‌نژاد
● تصویرگر: سحر حقگو

● دور صحنه چند تا لانه دیده می‌شود. قورباغه‌ای در صحنه نشسته است.

قورباغه: (با بی‌حوصلگی): هی... هی... من دیگر از لانه‌ی خودم خسته شدم. می‌خواهم بروم و یک لانه‌ی تازه پیدا کنم. جایی که بهترین لانه‌ی دنیا باشد.

● قورباغه دور صحنه جست می‌زند. به یک لانه می‌رسد.

قورباغه: به به، چه لانه‌ای! این‌جا، لانه‌ی من می‌شود. چه راحت و خوب است!

● خانم مرغ از راه می‌رسد. قورباغه را در لانه‌ی خودش می‌بیند. داد و بی‌داد می‌کند.

خانم مرغ: قُد قُد قُد، تو کی هستی؟ چرا توی لانه من نشستستی؟ آی هوار، آی هوار الان

نوکت می‌زنم!

● قورباغه می‌دود، مرغ به دنبالش می‌دود. دور می‌شود. نفس راحتی می‌کشد.

قورباغه: وای... نزدیک بود با نوکش سوراخ سوراخم کند.

● قورباغه دور صحنه راه می‌رود و به لانه‌ی دیگری می‌رسد.

قورباغه: به به، چه لانه‌ای! این‌جا، لانه‌ی من می‌شود. چه راحت و چه

خوب است!

● خانم گربه از راه می‌رسد، قورباغه را در لانه‌اش می‌بیند، داد و بی‌داد

می‌کند.

خانم گربه: میو میو میو، تو کی هستی؟ چرا تو لانه‌ی من نشستستی؟ آی هوار آی

هوار، الان پنجه‌ات می‌زنم.





● قورباغه می دود، خانم گربه هم به دنبالش می دود.
 ● قورباغه از گربه دور می شود و نفس راحتی می کشد.
قورباغه: وای... نزدیک بود با پنجه اش سوراخ سوراخم کند.
 ● قورباغه دور صحنه راه می رود و به لانه دیگری می رسد.
قورباغه: به به، چه لانه ای! این جا، لانه ی من می شود. چه راحت و چه خوب است!

● آقا سگه از راه می رسد و داد و بی داد می کند.
آقا سگه: واق واق واق، تو کی هستی؟ چرا توی لانه ی من نشستستی؟ آی هوار، آی هوار، الان گازت می گیرم!
 ● قورباغه می دود. آقا سگه هم به دنبالش می دود.
 ● قورباغه از سگ دور می شود. نفس راحتی می کشد.
قورباغه: وای... چه دندان های تیزی داشت! نزدیک بود با دندان هایش سوراخ سوراخم کند.

● قورباغه دور صحنه راه می رود. به لانه ی خودش می رسد.
قورباغه (با شادی): نگاه کن، نگاه کن. این لانه ی خودم است! رسیدم به لانه ی خودم! نه مال مَرغه است نه مال گربه، نه مال سگه. مال خود خودم است.
 ● قورباغه، توی لانه اش می خوابد. نفس راحتی می کشد.
قورباغه: قور قور قور، چه راحت و خوب است! بهترین لانه ی دنیا ست.